



# فکر

غفلت قوه عاقله، و حرکت آفرین مغز، و تکان دهنده روان و جان است

"التَّفَكُّرُ سِرُّ الْبَاطِنِ مِنَ الْمَبَادِي إِلَى الْمَقَابِدِ"

و بسا اتفاق افتاده که انسانی پس از گذشت قسمت بیشتر عمرش با یک لحظه تفکر آنچنان بخود باز گشته و بیدار شده که همه گذشته ها رانیز بخوبی جبران نموده است .

دعوت به تفکر در قرآن کریم ، به کسانی که سر سخنانه در مقابل پیامبر عظیم ایستاده بودند می فرماید که یک موعظه به شما دارم ، و آن اینکه اندکی در باره فرستاده من به تفکر بنشینید و آنگاه قضاوت کنید .

قرآن مجید ، جامعه بشری را در مرحله نخست به تفکر در خوبستن دعوت می کند :

"أَوَلَمْ يَتَفَكَّرُوا فِي أَنفُسِهِمْ"

و به پیامبر عظیم الثمان دستور می دهد که از نشانه های توحید ، و سرگذشت انبیا ، و از خلقت آسمانها و زمین بر مردم بیان کند باشد که قوه تفکر آنها به حرکت آید و راهشان بسوی حقیقت و درک آن باز گردد .

سه جمله کوتاه و پر محتوی از مولا علی - علیه السلام - در این باره وارد شده که جمله اول مربوط به مطلب ما است :

"تَبَيَّنَ بِالْفِكْرِ قَلْبُكَ ، وَ جَافَى عَنِ اللَّيْلِ جَنَبُكَ"

"وَ اتَّقِ اللَّهَ رَبُّكَ"

ای انسان! روان بخواب رفته ات را با حرکت فکر خوبش بیدار کن ، و پهلوی آرمیده در بستر استراحت را در اوقات سحر از خواب گران بدور دار ، و از مری و ولی نعمت خویش در خلوت و جلوت پروا کن .

آری این فکر است که به روان بشر تنبه ، و به جان انسان حیات ، و به حیات انسان رشد ، و به رشد انسان جهت ، و به جهت انسان سرعت می بخشد .

بیجهت نیست - و حتی مبالغه و اغراق گوئی نیست - که پیامبر بزرگ می فرماید :

"تَفَكَّرْ سَاعَةً خَيْرٌ مِنْ عِبَادَةِ سَنَةٍ"

بسا می شود که فکر و اندیشه یک ساعت ، از عبادت یکسال نافع تر و سودمند تر می شود .

علی - علیه السلام - می فرماید :

"التَّفَكُّرُ يَدْعُو إِلَى الْبِرِّ وَالْعَمَلِ بِهِ"

قال تعالى :

"وَيَتَفَكَّرُونَ فِي خَلْقِ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ"

"رَبَّنَا مَا خَلَقْتَ هَذَا بَاطِلًا" آل عمران ، آیه ۱۹۱

یکی از کمالات برجسته انسانی تفکر است ، یعنی اندیشیدن و فکرکردن ، و مناسب آنکه قبل از بیان هدف ، معنی این واژه را تذکر دهیم :

(( فکر )) در لغت بمعنی قوه ای است در انسان که بوسیله آن می تواند به مطالب مجهول راه یابد ، (( تفکر )) عبارت است از آنکه انسان آن قوه را به حرکت و جولان در آورد تا از معلومات و دانستنیهای خود پی به مجهولات خویش ببرد . پس تفکر ، نردبان ترقی و تکامل و مسئله انتقال به مدارج کمال است ، چه آنکه انسان موجودی خودکار و خود جوش و دارای منابع و معادن سرشار علمی در کون ذات خود می باشد ، و هر چه در این طریق کوشا تر و پویا تر شود بهمان متاسبه به مراتب کمال انسانی نزدیکتر خواهد بود .

تفکر ، بیدار کننده رکود اندیشه ، و هشدار دهنده از

این تفکر است که انسان را بسوی هر نیکی می خواند و به هر عمل خیری هدایت می نماید .

ای دوستان عزیز! آنگاه که محیط را از همه انسانها خالی ببینید دمی از همه جاقطع نظر کنید ، و همه محسوسات خود را کنار گذارید ، و از همه جا بپرسید ، و بسوی خویشتن برگردید ، و در غلاف وجود خود فرو روید ، و بدقت بنگرید که گذشتهها رفته و آینده ام مجهول الحال است ، با خود زمزمه کنید که چه خواهیم شد و تا کی حیات خواهیم داشت ؟ و عاقبت چه مرض و حوادثی به سراغم خواهد آمد ؟ و بالاخره چه روزی و با چه کیفیت این قفس تن خواهد شکست و مرغ محسوس روح پسر واز خواهد کرد ؟ چه آنکه این مطلب ، دیگر مورد شک نیست و بالاخره شدنی است . آیا بکجا خواهیم رفت ؟

شاعری عرب زبان در این مورد میگوید :

"مَا فَاتَ مَضَىٰ وَمَا سَيَاتِيكَ قَائِنٌ"

"قَمَّ فَانْتَمِ الْفُرْصَةَ بَيْنَ الْعَدَمَيْنِ"

آنچه گذشته هیچ است و آنچه خواهد آمد کز و چه می دانیم که چه خواهد آمد ؟ پس من هستم و الان ، پس بر خیزم و به فکر خویش باشم .

بهترین عبادت اباندر :

امام ششم - علیه السلام - در باره حضرت ابی ذر که بت پرستی را قبل از آنکه پیامبر اسلام را دریابد به تفکر خویش ترک گفته بود و راه باطل را به قدرت اندیشه رها کرده بود ولی راه حق را هنوز بطور شایسته در نیافته بود - چنین میفرماید :

"كَانَ أَكْثَرَ عِبَادَةِ أَبِي ذَرِّ التَّفَكُّرِ"

- بهترین عبادت ابی ذر فرو رفتن در اندیشه بود .

آری او در قبیله ای به دنیا آمد و تربیت یافت که مرکز یکی از بنهای بزرگ قریش بود ، او هنگامی که با اقوام خویش در - اوقات عبادت به حضور بت بزرگ می رفت و خضوع و کرنش و گریه و ناله های اقوام خویش را در مقابل سنگی که بدست خود آنها تراشیده شده ، مشاهده می کرد ، و دعا و ثنا و قربانیهای گونهگون قبیله خود را در پیشگاه یک جماد رویت می نمود و جسدان پاکش او را بهیوسترنجی داد و صفای دل ، گاهی او را به تعجب و گاهی به تفکر و گاهی به انکار درونی و می داشت ، و بهیمن منوال مدتی در شک و تردید بود که آیا این همه اظهار محبت مردم را این موجود

جماد درک می کند ؟ و اگر چنین است چه قدر سنگ دل است که احدی را جواب نمی دهد و به کسی اعتنا ندارد ؟ و همان است که در حال اول بود و اگر در حقیقت عساری از شعور و قداست است ، چگونه این همه انسانهای ذی شعور و ادراک به دورش می چرخند ؟ و بالاخره شمی در فضای مهتاب سنگی بدست گرفت و محکم بر سینه وی کوفت ، و بس جارت های دیگر کرد ، و با تزلزلی به خانه خویش برگشت که مورد غضب معبود مقتدر قبیله اش قرار نگیرد ! خبری نشد و عکس العملی ندید تا آنجا که یک تفکر صحیح ، او را از ملتش جدا کرد و از همان جا رخت سفر بر بست و به مکه روانه شد که صنم را اثری نیست و باید بسوی صمد رفت .

او را تفکر براه انداخت و به مکه آورد و بالاخره مظلوم اصلی خویش دریافت و روزی خود را در مقابل قیافه ای دید که عالم در مقابلش کوچک بود ، آنچنان مجذوب گشت و دل داد که شاید در قلبش چنین گذشت که اگر بنا است در مقابل موجودی سجده کنیم ، این موجود از همه آنها والاتر است .

آری او پیامبر بود ، اما اباندر دید او خود بر می خیزد و رو به معبود می کند و چنان خاضعانه سر به سجده می نهد که کوفتی روح از قالب تن بیرون می رود .

اباندر در تفکر خویش دریافت که مساله بالاتر از اینها است ، جهان را معبودی است که باید از آدم و نوح تا محمد عظیم - صلی الله علیه و آله - در پیشگاهش جبین بر زمین ساینند و او امرش را آویزه گوش کنند و بالاخره متفکر شد تا اباندر گردید علی - علیه السلام - در جمله ای چنین می فرماید :

"مَا أَكْثَرَ الْعَمَلَ وَأَقَلَّ الْإِعْتِبَارَ"

- وسیله عبرت و تفکر بسی زیاد است و همه در و دیوار آفرینش نابلوهائی است از مواعظ و زواجر و پند و اندرزها ولی شگفت آنکه چشمی در کار نیست که این خطوط برجسته را بر روی صفحه آفرینش بخواند ، و دلی بیدار نیست که محتوای آنها را معنی کند و معنایش را هضم کند و نتایجش را در خویش بهیاده نماید !

من به همه دوستانم و گلهای نورس بوستانم توصیه می کنم که گاهی در خلوتگاه دل با قوه عاقله خویش به گفتگو نشینند و رازی از سفر زندگی و مدت مکث خویش در اطاق انتظار جهان به میان آرند ، و در باره هدف از آمدن و رفتن ، و تهیه لوازم سفر خود تبادل نظر کنند تا سخن مولا علی - علیه السلام - را متوجه شوند :

"الْيَوْمَ عَمَلٌ بِلَا حِسَابٍ وَغَدًا حِسَابٌ بِلَا عَمَلٍ"

- امروز میدان کار و فردا بازار مزد است . امروز عمل است بدون حساب و فردا حساب است بدون عمل . توفیق همگان را در بیداری و عمل به وظیفه خواستارم .